

وحدت بخشی برای تمدن سازی

گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین فرجام
مدیر اجرایی حوزه علمیه خراسان



حاکمیتی ظالمان زمان بوده است. اما این نظام هم اکنون داعیه بزرگی دارد که طبعاً سرمایه و مؤنه زیادی می خواهد. ما معتقد به ایجاد یک تمدن اسلامی در دنیا و داعیه دار آن هستیم؛ یعنی پس از چند قرن سیطره تفکر غربی بر کل کره زمین، امروز بحث از تمدن سازی با مایه های دینی است.

تمدن اسلامی در نقطه شروع نیازمند آن است که آن ملت و امت تمدن ساز، از انسجام داخلی و اقتدار ملی خاصی برخوردار باشد؛ این از هوشمندی مقام معظم رهبری دامت برکاته است که مؤلفه های ایجاد اقتدار ملی را مدنظر قرار داده و در تقویت این مؤلفه ها، اقدامات و رهنمودهایی داشته اند. اقتدار ملی مستلزم وحدت ملی و عوامل قوی برای دفاع از آن ملت منسجم و مقتدر است.

البته این تحلیل بنده است و شاید دیگران این را تکمیل یا اصلاح کنند؛ اما بنده معتقدم که توجه مقام معظم رهبری به نیروهای مسلح، دانشگاه ها و حوزه های علمیه، ناشی از چنین هندسه ای

همه توان هم بخواهند ایفای نقش کنند، ظرفیت ایفای نقش وجود دارد. به تعبیر مقام معظم رهبری در بجنورد، چگونه روحانیت می تواند نسبت به این نظام بی تفاوت و سکولار باشد؟

واقعاً حوزه های علمیه و علمای دین در این مقطع و شرایط تاریخی و در این نظام اسلامی، هر قدر که بخواهند، چه به لحاظ تئوری و نظریه پردازی و چه به لحاظ عملی می توانند ورود پیدا کنند و شرایط برای محقق ساختن آموزه های دینی در فضای جامعه فراهم است. البته حوزه های علمیه نیز برای ایفای این نقش تاریخی، و به تعبیر مقام معظم رهبری در این پیچ تاریخی، باید خود را هم از نظر علمی مجهز کنند و هم با همه وجود در دفاع از نظام اسلامی ورود پیدا کنند.

ممکن است در دوره ای نظامی حاکم بوده که علماً تکلیف خود را در تقابل با آن می دیده اند. شهید اول و ثانی و ثالث و علمایی که علامه امینی با عنوان «شهداء الفضیله» ذکر کرده است، نتیجه همان تقابل ها و برخورد با تفکرات سیاسی و دینی و

است. اگر مثلاً بعضی از کتاب ها در مقدمه به یکی از سلاطین اهدا شده، یا ترجمه کتابی به خواسته یکی از امرا یا حکام مستند شده است، این نوعی همکاری یا ارتباط حوزه های علمیه با مجموعه حاکم را نشان می دهد.

یک رویکرد هم رویکرد تقابلی بوده است؛ یعنی در زمانی که احساس می کردند نظام حاکم، نظامی ضد دینی است، چنین احساس تکلیف می کردند که باید در برابرش بایستند و نیروهای مردمی را هم برای مقابله با آن نظام بسیج کنند. اما رویکرد سوم، رویکردی است که حوزه را فراتر از همراهی حاشیه ای، جزئی از نظام می داند که البته در تاریخ هزار و دویست ساله حوزه های علمیه خیلی اندک رخ داده و فی الواقع از برکات وجود امام راحل، رضوان الله تعالی علیه است که به تعبیر علامه امینی رضوان الله تعالی علیه، امام خمینی «ذخیره الله لشیعیه» بوده است. این ذخیره الهی با ایجاد نظام اسلامی، ظرفیتی برای شیعه ایجاد کرد که علمای دین در این نظام، اگر با

مؤلفه های نظام اسلامی از نظر حضرت عالی چیست و حوزه علمیه چه نقشی را در این عرصه و در راستای اقتدار نظام اسلامی می تواند ایفا کند؟

قبل از این که به شرایط کنونی و نقش روحانیت در تثبیت و تداوم نظام اسلامی بپردازیم، مقدمتاً باید بگویم که بزرگان حوزه های علمیه از زمان غیبت کبرای امام زمان علیه السلام، یعنی دوره مرحوم شیخ مفید به بعد، این شجره طیبه را بر اساس تکلیف محوری بنا کرده اند و بر همین اساس به تناسب زمان و شرایط و مقتضیات هر دوره، در راستای نوع تکلیفی که احساس می کرده اند گام برداشته اند.

حوزه های علمیه در ارتباط با نظام های سیاسی، تاکنون سه رویکرد را داشته اند. یک رویکرد، مساعدت و همکاری حاشیه ای بوده است؛ یعنی نظام حاکم را به گونه ای می دیدند که صدر صد نمی تواند دینی باشد و حاکمیت دینی محسوب نمی شود، اما از سوی دیگر بهترین گزینه در شرایط خاص آن زمان، همکاری و همراهی در حاشیه حکومت ها بوده